

بایسته‌های نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

مهدی صادقی شاهدانی*

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۷

حسین محسنی**

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۴/۱۷

چکیده

تبیین و تدوین جایگاه نظام مالی اسلامی از منظر مبانی و فرآیندهای عملیاتی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به منزله یک گام جهشی و روبه‌جلو در مسیر تعالی کشور به شمار می‌رود. علم مالی اسلامی را می‌توان به عنوان مدل‌های اجرایی اقتصاد اسلامی در سه حوزه کارکردی ابزارها، بازارها و نهادهای مالی اسلامی تعریف کرد. پیاده‌سازی صحیح و دقیق نظام مالی اسلامی در کشور، متضمن بررسی محورهای بنیادین اقتصادی و مالی است که هدف نهایی پیشرفت پایدار در نظام اقتصادی است. بنا به قول شهید محمد باقر صدر(ره)، مدل‌های اقتصادی و مالی اسلامی در مرحله تکوین قراردارند و این درحالی است که مبانی و چارچوب تدوین یافته مکتب (زیربنا) و این مدل‌ها (روبنا) نظام اقتصاد اسلامی هستند. با عنایت به ماهیت اکتشافی ابعاد مالی اسلامی در وهله اول باید جایگاه نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در ابعاد اکتشافی طراحی و تدوین شود. این مقاله فراهم‌کننده تأملی در چپستی جایگاه نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است تا یک نقشه مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی و الگوهای بومی ارائه دهد. لذا در این مقاله، لزوم عطف توجه به نقش و جایگاه نظام مالی اسلامی در الگوی پیشرفت جمهوری اسلامی ایران از مسیر تبیین اصول، هنجارها، اهداف و مشخصه‌های کارکردی حاکم بر نظام مالی اسلامی تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی

نظام مالی اسلامی، اقتصاد اسلامی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

sadeghi@isu.ac.ir

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع) (نویسنده مسئول)

mohseni@ues.ac.ir

** دانشجوی دکترای مدیریت مالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه علامه طباطبائی(ره)

مقدمه

وجود ساختارهای مالی کارآمد یکی از ابعاد پیشرفت در تحقق ایرانی مستقل و آباد است که با مشارکت و پشتوانه دولت و ملت ایران می‌تواند محقق شود. نظام مالی اسلامی کارآمد یکی از ابعاد اساسی مورد نیاز برای پیشرفت در سایر شئون نظیر ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که در نهایت می‌تواند نهال طیبه انقلاب اسلامی را تکامل دهد تا در سایه سار تنومند آن ملت شریف ایران سعادت‌مند شوند و سرمشقی برای تمامی ملل آزاده جهان باشد. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نقشه حرکت ابعاد مختلف جامعه برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی را مشخص می‌کند و با عنایت به نقش محوری معنویت در این الگو، بایستی در حوزه مالی نیز (از منظر مبانی، کارکرد و محصولات) مبتنی بر معنویت و تعبد الهی باشند. تدوین الگوی نظام مالی اسلامی بر اساس مکتب فلسفی اسلام و اقتصاد اسلامی منجر به پیاده‌سازی توحید عملی و گسترش معنویت در جامعه می‌شود. جهت تدوین نقشه راه در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید در هر حوزه علمی به بررسی اسناد و تجارت قبلی، ارزیابی و آسیب شناسی روند گذشته در حصول به اهداف، مطالعه نقادانه به الگوهای موجود و آینده پژوهی پیشرفت مورد نیاز ایران اسلامی در آن بخش داشت. فرایند تهیه الگوی پیشرفت عدالت‌محور کشور در قالب حلقه‌های علمی مبتنی بر مبانی اسلامی و با توجه به مقتضیات ایرانی باید صورت گیرد.

بازتولید حیات طیبه اسلامی هدف غایی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت در کلام مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت متشکل از چهار عرصه فکر، علم، زندگی و معنویت است که به تعبیر مقام معظم رهبری باید راه‌های پیشرفت همه جانبه، عمیق و بنیانی علمی در الگو مشخص شود. پرواضح است که باید برای علم اقتصاد در طراحی نقشه راه در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جایگاه خاصی قائل شد. نگرش به اقتصاد در الگو نباید صرفاً به عنوان یک علم، بلکه به عنوان یک زیرساخت راهبردی در تفوق به اهداف علمی، اجتماعی و معنوی در جامعه باشد. شناخت جامع و کامل این حوزه و ترسیم نقش آن در یک چنین الگویی باید مبتنی بر

مدل‌های بومی با اندیشه جهانی باشد. بازخوردهای عملیاتی و تراکنش‌های هر نظام اقتصادی مبتنی بر عملکردهای مالی آن نظام است. نیازمند ظهور رستگاری عملی برای انسان‌ها باید به عنوان اصل بنیادین در طراحی نقشه راه باید مدنظر باشد که اقتصاد اسلامی و مدل‌های کارکردی آن در قالب مالی اسلامی نقش محوری در این حوزه از علوم دارند. کلیدی سوال عمده پژوهش حاضر چگونگی بازتعریف نظام مالی اسلامی بر اساس این هدف است. پژوهش حاضر تبیین جایگاه و چگونگی دستیابی به نظام مالی کارآمد را به عنوان هدف کلی خود قرار داده و برای پاسخ به آن به تحلیل پارادایم‌ها و زوایای مرتبط با موضوع می‌پردازد.

دین مبین اسلام ارائه‌کننده برنامه جامع سعادت بشری است. نگرش کلی اسلام به اقتصاد و به‌ویژه جایگاه نظام مالی اسلامی از منظر اساس و سازوکارهای اجرایی به صورت رویکردی فراگیر است. علم مالی اسلامی را می‌توان در حقیقت مدل‌های اجرایی اقتصاد اسلامی در بستر جوامع مسلمان دانست. تبیین و پیاده‌سازی صحیح و دقیق نظام مالی اسلامی در کشور، متضمن بررسی برخی محورهای بنیادین اقتصادی و مالی است که در نهایت منجر به پیشرفت پایدار در نظام اقتصادی خواهد شد. نگرش نظام یافته به آیات قرآن، روایات و احادیث در حوزه اقتصادی و مالی و سیر محتوایی در کنار توجه به زیرساخت‌های بومی به الگوسازی پیشرفت در جوامع مسلمان خواهد انجامید.

طراحی نقشه پیشرفت کشور تصمیمی حکیمانه از سوی رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبتنی بر عبرت‌ها و تجارب ارزشمند ملی و بین‌المللی است و یکی از نیازهای اساسی و اولویت‌دار کشور به شمار می‌رود. الگوهای پیشرفت نظام‌های کمونیستی، سوسیالیستی و لیبرال نمی‌توانند به عنوان الگوی پیشرفت اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران بکار روند. تجربه دهه‌های گذشته نیز نشان می‌دهد که حصول به پیشرفت اقتصادی پایدار با تقلید محض از الگوهای غربی و یا کشورهای توسعه یافته برای جوامع مسلمان امکان‌پذیر نیست. بنابراین متناسب با فرهنگ بومی و شرایط اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه باید مدل جدیدی طراحی نمود.

این مدل بایستی دربردارنده اهداف کلان اقتصادی اسلام (نظیر برقراری عدالت اجتماعی، امنیت اقتصادی و...) باشد و در قالب کارکردهای مالی بتواند فرد و جامعه را به سمت سعادت حقیقی رهنمون سازد. نظام مالی را می‌توان به عنوان سازوکار اجرایی اقتصاد یک کشور در سه قالب اصلی تحت عنوان بازار سرمایه، بازار پول و بازار پوشش ریسک (بیمه) طبقه‌بندی کرد.

نظام مالی اسلامی، سازگاری انگیزه‌های اقتصادی را با دستورات اسلامی در بازارهای مالی در می‌آمیزد و فرآیندهای اقتصادی و سازوکارهای مالی جامعه را بوسیله ابزارهای مطابق با شریعت و نهادهای مالی مرتبط با این نظام تأمین می‌نماید.

نظام مالی اسلامی، شبکه‌ای از ابزارهای مالی، بازارهای مالی و نهادهای مالی است که چارچوب عملی انتقال وجوه را میان خانوارها، بنگاه‌ها و دولت بر اساس اصول اسلامی شکل می‌دهد و زمینه را برای نیل به پیشرفت اقتصادی فراهم می‌کند. بنابراین نظام مالی اسلامی در کنار رعایت پارادایم‌های خاص برگرفته از فرامین الهی، رهنمودهای پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع)، سبب حمایت از بخش واقعی اقتصاد در قالب حمایت از تولید، سرمایه و نیروی کار شده و با پشتیبانی از بخش مالی اقتصاد در قالب جریان‌های سرمایه‌گذاری و مدیریت مخاطرات، چرخه یک نظام مالی کارا را فراهم و تکمیل می‌سازد.

در حقیقت تبیین منصفانه روابط اجزای اقتصادی و مالی یک جامعه همراه با راهبردهای حمایتی از تولید منجر به برقراری عدالت اقتصادی - اجتماعی در جامعه می‌شود که این امر نشان از اهمیت والای جایگاه نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دارد.

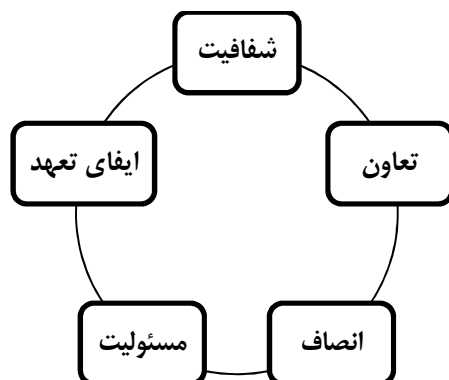
این مقاله فراهم‌کننده تأملی در چیستی جایگاه نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است تا یک نقشه مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی و الگوهای بومی ارائه دهد. در همین راستا و برای نیل به این هدف، ابتدا بطور مختصر اصول اساسی نظام مالی اسلامی برشمرد می‌شود و در ادامه شش مورد از مهمترین هنجارهای حاکم بر نظام مالی اسلامی که عامل تمایز دهنده آن با نظام مالی متعارف است مورد تحلیل قرار می‌گیرند. سپس اهداف نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی

پیشرفت مورد کنکاش قرار گرفته و برای هر کدام استدلالی متناسب با محتوای اسلامی مالی موضوع ارائه می‌شود. در پایان نیز شاخصه‌های نظام مالی اسلامی کارآمد برشمرده می‌شود تا ارائه‌کننده الگویی فراگیر و پایدار در حوزه‌های کارکردی اقتصاد ایران اسلامی باشد.

۱. اصول اساسی نظام مالی اسلامی

نظام مالی اسلامی در واقع به آن دسته از خدمات، عملیات و معاملات بازارهای مالی اطلاق می‌شود که با اصول، رویه‌ها و قوانین اسلامی مطابقت دارند. حقوق و قوانین اسلامی شریعت نام دارد (صالح آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۰) که مبنای تمامی جنبه‌های عملکردی یک انسان مسلمان بر سه بخش عبادات، تعاملات و معاملات است. بنابراین نظام مالی اسلامی برگرفته از اسلام و منابع اصیل آن است. مالی اسلامی در سطوح بالایی از اخلاقیات است و استراتژی‌های عملیاتی نظیر بانکداری، سرمایه‌گذاری، پوشش ریسک و... در آن دارای گرایش به اخلاق، مسئولیت اجتماعی، مشارکت و مهمتر از همه عدالت و انصاف است (وایسر، ۱۳۹۰، ص ۲۵). اصول اخلاقی در اسلام تأکید بر روابط انسانی با خالق و صحت روابط انسانی بایکدیگر دارند. اعتقاد بر این است که محرکه‌های رفتار انسانی قابل هدایت بوده و بالاتر از غرایز می‌باشند. در زمانیکه محرکه‌ها بدرستی کنترل، قانونمند و منضبط شوند؛ نتیجه شکل‌گیری یک سیستم ایده‌آل تولید، مبادله و توزیع خواهد بود که منجر به ایجاد مبنایی برای افزایش رفاه اجتماعی در جامعه است.

در غیر اینصورت محرک‌های غرایز منجر به بی‌عدالتی، استعمار، خودگرایی، تعصب و تجمع غیرعقلایی ثروت می‌شوند. هدف نظام مالی اسلامی، کارایی در تسهیم ثروت و مهمتر از آن به‌کارگیری سرمایه برای رسیدن به بهره‌وری است و از احتکار منابع سرمایه‌ای اجتناب دارد (نجفی، ۱۳۸۳، ص ۱۴). ارزش‌های اخلاقی اسلام دارای مرز زمانی نبوده و محدود به قشر خاصی نیستند. آن‌ها تجویز کننده مهربانی، ملایمت و خیرخواهی هستند و اینکه گرایش به پشتیبانی از رفاه اجتماعی دارند. پنج اصل اساسی حکمرانی در اصول اسلامی به شرح زیر است:



شکل ۱. پنج اصل اساسی نظام مالی اسلامی

۱-۱. تعاون

تعاون در کارهای نیک یک فرمان الهی است و پیامبر اسلام (ص) تعاون را در بین مسلمانان به عنوان یکی از بنیان‌های جامعه اسلامی در همه امور اعم از عبادی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مورد تاکید قرار می‌دهد. خداوند مؤمنان را به تعاون در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر امر می‌نماید و آن‌ها را از گناه و دشمنی باز می‌دارد که وجود تراکشی‌های مالی ربوی مصداق دشمنی (با خداوند و دیگر مؤمنان) و انجام تبادلات غری و حرام نمونه‌ای از گناه و ظلم بر دیگر افراد یک جامعه است. قرآن کریم درخصوص تعاون می‌فرماید: «... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده: ۲)؛ یعنی «... و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از خدا تقوا کنید که همانا خداوند سخت کیفر است».

نظام مالی اسلامی تجمیع‌کننده کارآمد سرمایه اقتصادی و تخصص حرفه‌ای در جامعه است. فراهم‌سازی منابع مالی مورد نیاز برای کسب‌وکارهای مختلف و تنظیم روابط عادلانه میان عناصر تشکیل‌دهنده از ویژگی‌های بارز نظام مالی مبتنی بر دستورات اسلام است.

۲-۱. شفافیت

یکی از تفاوت‌های بارز نظام مالی اسلامی با نظام مالی متعارف در جهان کنونی مقوله شفافیتی است که در این نظام وجود دارد. وجود ابزارهای مبتنی بر مشارکت، مبادله، اجاره و قرض الحسنه با سازوکارهای اجرایی تبلور یافته از دستورات اسلام در حوزه بانکداری و رعایت سازوکارهای مالی مبتنی بر اصول اسلامی در حوزه ساختاری و کارکردی بازار سرمایه اسلامی و بیمه اسلامی منجر به شفافیت مالی در این نظام خواهد شد. شفافیت مالی موجب توسعه اعتماد اجتماعی، نظارت‌های اثربخش و ارزیابی‌های منصفانه می‌شود که این امر زمینه را برای برقراری عدالت اقتصادی- اجتماعی در جامعه فراهم می‌سازد.

خداوند در قرآن کریم مؤمنان را به ثبت و ضبط رویدادهای مالی یا به عبارت دیگر شفافیت مالی امر نموده و این شیوه را استوارتر معرفی می‌کند. قرآن درخصوص شفافیت می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا إذا تداینتم بدینِ اِلیٰ اَجَلٍ مُّسَمًّی فَاکْتُبُوهُ وَاکْتُبْ بَیْنَكُمْ کَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا یَأْبَ کَاتِبٌ اَنْ یَّکْتُبَ کَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ فَلَیَکْتُبْ وَاِیْمَلِلِ الذّٰی عَلَیْهِ الْحَقُّ وَاِیْتَقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ ... وَلَا تَسَامُوْا اَنْ تَکْتُبُوْهُ صَغِیْرًا اَوْ کَبِیْرًا اِلَیَّ اَجَلِهٖ ذٰلِکُمْ اُقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ وَاَقْوَمٌ لِلسَّهَادَةِ وَاذُنِیْ اَلَّا تَرْتَابُوْا...» (بقره: ۲۸۲)؛ یعنی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگاه به یکدیگر وامی تا مدت معینی دادید آن را بنویسید، نویسنده‌ای در بین شما آن را به درستی بنویسد و هیچ نویسنده‌ای نباید از آنچه خدایش آموخته دریغ کند، پس حتما بنویسید و باید کسی که حق به عهده او است و بدهکار است، املا کند و باید که از خدا و پروردگارش بترسد ... و از نوشتن وام چه به مدت اندک و چه بسیار، ملول نشوید، که این نزد خدا درست‌تر و برای گواهی دادن استوارتر، و برای تردید نکردن شما مناسب‌تر است ...».

نظام مالی اسلامی دربردارنده شفافیت مالی در جامعه است. شفافیت مالی منجر به جلوگیری از بروز تخلفات مالی در سطوح مختلف اقتصادی و مصادیق متعدد معاملات غرری در جامعه می‌شود و این امر یکی از شاخص‌های ممتاز و متمایز کننده نظام مالی اسلامی در قبال نظام مالی متعارف است.

۳-۱. مسئولیت

مسئولیت از دیگر اصول اساسی نظام مالی اسلامی است. مسئولیت نشانگر وظایف بخش‌های مختلف اقتصادی و مالی در قبال یکدیگر است. مسئولیت را می‌توان در ابزارهای مالی حاکم بر روابط میان داین و مدیون در قرض الحسنه، روابط میان مدیران و مالکان در ابزارهای مالکیتی، سرمایه‌گذاران با سرمایه‌پذیران در عقود شراکتی، روابط میان مالک و مستأجر در عقود اجاره و روابط میان خریدار و فروشنده در عقود مبادله‌ای مشاهده نمود. در واقع یکی از مؤلفه‌های تمایز نظام مالی اسلامی با نظام مالی ربوی در تعریف مسئولیت‌های متعدد میان طرفین قرارداد است درحالی‌که در نظام‌های متعارف تمرکز صرفاً بر مسئولیت قرض‌گیرنده از قرض‌دهنده از حیث پرداخت اصل و بهره است. در حوزه بازارهای مالی و نهادهای مالی مسئولیت را می‌توان به عنوان یکی از ارکان تنظیم روابط میان نهادهای مالی در حوزه بورس، بانک و بیمه نامید.

خداوند در قرآن کریم مسلمانان را به وفای به عهد امر می‌کند و آن‌ها را در قبال امانات از خیانت هشدار می‌دهد. قرآن کریم در سوره اسراء آیه ۳۴ می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴)؛ «وبه مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیک نشوید، تا به سرحد بلوغ رسد و به عهد (خود) وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود». همچنین در ، سوره انفال آیه ۲۷ آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال: ۲۷)؛ ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، درحالی‌که می‌دانید (این کار، گناه بزرگی است). در این رابطه در سوره نساء آیه ۵۸ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء: ۵۸)؛ «خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید و هنگامیکه میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد، خداوند شنوا و بیناست».

در جامعه اسلامی امکانات مالی و اقتصادی تنها منحصر به قشر خاصی نیست. صیانت و مسئولیت در قبال منابع مالی موجود در جامعه بر عهده تمامی اقشار است.

همانطور که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «همه شما نگهبانید و هر نگهبان پاسخگو در قبال موضوع به وی امانت داده شده است».

۴-۱. ایفای تعهد

تعهد عبارت است از توافقی که بین طرفین برای انجام موضوع آن یا عدم انجام آن صورت گرفته باشد و بر اساس این توافق، متعهد درخصوص ایفاء یا عدم ایفای آن ملزم و مکلف است و هرگاه خلاف توافق عمل کند، مسئول است. پایبندی به تعهدات و توافقات مالی یکی دیگر از اصول اساسی نظام مالی به شمار می‌رود.

خداوند در قرآن کریم سوره نحل مسلمانان را به وفای به عهد فرا می‌خواند: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْفُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَغْلِبُ مَا تَفْعَلُونَ» (نحل: ۹۱)؛ «و هنگامی که با خدا عهد بستید، به عهد او وفا کنید و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید، در حالی که خدا را کفیل و ضامن بر (سوگند) خود قرار داده‌اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است». همچنین در سوره مائده آمده است: «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود...» (مائده: ۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید».

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «المؤمنون عند شروطهم» یا به عبارتی مؤمنین به عهد و پیمان خود وفا می‌کنند. بر طبق قانون مدنی ج.ا.ا «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است» و در برخی از موارد درباره اشخاص ثالث لازم الاجرا است. پایبندی به این اصول در حوزه مالی موجب برطرف شدن مشکلات اساسی نظام پولی در حوزه نکول تعهدات و عدم ایفای وظایف در قراردادهای مختلف می‌شود.

۵-۱. انصاف

انصاف یکی از وجوه تمایز نظام مالی اسلامی است که نقش محوری در پیاده‌سازی عدالت و در نهایت پیشرفت پایدار در جامعه دارد. در واقع انصاف را در حوزه مالی اسلامی می‌توان ترجمان دیگری از عدل و روحیه برادری عنوان نمود. مصادیق انصاف

در مالی اسلامی متعدّدند که رعایت عدالت در همکاری‌ها و قراردادهای کسب‌وکار، احترام به حقوق دیگران، ایفای کامل تعهدات و برخورد توأم با رأفت عقلایی با اشخاص تحت فشار را می‌توان نمونه‌هایی از انصاف برشمرد.

دین اسلام به شکل فراگیر مسلمانان را به رعایت عدل و انصاف در اعمال سفارش می‌کند. بدیهی است جنبه مالی به عنوان یکی از مهمترین جنبه‌های زندگی از این مستثنی نیست. خداوند در قرآن کریم سوره نحل آیه ۹۰ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰)؛ «خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید». تاریخ تشیع به حکومت منصفانه و عدالتمند حضرت علی(ع) به خود می‌بالد. توجه به انصاف و پابندی به عدالت از ویژگی‌های بارز ائمه هدی(ع) و رهنمودهای بزرگان دین در حوزه فردی و اجتماعی است. حضرت امیر المومنین علی(ع) در نهج البلاغه و در نامه ۵۸ خود به مالک اشتر نخعی چنین می‌نویسند: «با خدا و با مردم و با خویشاوندان نزدیک و با افرادی از رعیت خود که آنان را دوست داری، انصاف را رعایت کن؛ که اگر چنین نکنی ستم روا داشتی و کسی که به بندگان خدا ستم روا دارد خدا بجای بندگانش دشمن او خواهد بود و آن را که خدا دشمن شود، دلیل او را ستمکاری نعمت خدا را دگرگون نمی‌کند، و کیفر او را نزدیک نمی‌سازد، که خدا دعای ستمدیدگان را می‌شنود و در کمین ستمکاران است». همچنین ایشان در نامه ۵۱ خود به مأمورین مالیات چنین می‌نویسند: «بدانید، مسئولیتی را که به عهده گرفته‌اید اندک اما پاداش آن فراوان است، اگر برای آنچه که خدا نهی کرد کیفری نبود، برای رسیدن به پاداش در ترک آن نیز عذری وجود نداشت. در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکبیا باشید...».

۲. هنجارهای نظام مالی اسلامی

پابندی به هنجارهای اسلامی در حوزه تجارت را می‌توان عامل تمایز نظام مالی اسلامی از نظام مالی متعارف برشمرد. این هنجارها به عنوان شروط اصلی باید در

تمامی قراردادهای مالی لحاظ شوند و فعالیت اقتصادی خارج از این هنجارها از منظر اسلام باطل و در برخی موارد حرام است (Faruqi, 1996, p.53). قوانین اسلام در حوزه تجارت به «فقه معاملات» اطلاق می‌شود که همواره در کتب فقهی بابی را به خود اختصاص داده است. در ادامه به مهمترین هنجارهای نظام مالی اسلامی از منظر فقه معاملات اشاره می‌شود.

۱-۲. ممنوعیت اکل مال به باطل

استعمال عبارت «باطل» پس از ترکیب «اکل مال» در چهار آیه از قرآن کریم شامل آیه ۲۹ سوره نساء، آیه ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء، آیه ۱۸۸ سوره بقره و آیه ۳۴ سوره توبه بدان اشاره شده است. اکل مال به باطل از نظر قرآن، سنت و فقه اسلامی حرام است و به عنوان یک ضابطه عمومی در تمام عرصه‌های مالی جریان دارد. بر طبق این قاعده هرگونه تصرف در اموال مردم به وجه باطل حرام است. بنابراین هر نوع تقلب، غش، دزدی، رشوه، زورگیری و امثال آنها و نیز معامله بر موضوعی که منفعت عقلایی ندارد همگی باطل است. بنابراین می‌توان گفت که هر نوع تصرف در اموال دیگران بر وجهی که از دیدگاه عرف و عقلا یا از دیدگاه شرع اکل مال به باطل باشد، حرام و ممنوع است درحالیکه تصرف در اموال دیگران بر وجه تجارت از روی تراضی، صحیح و حلال می‌باشد (موسویان، ۱۳۹۰، ص ۸۹).

۲-۲. ممنوعیت ضرر و ضرار

قاعده نفی ضرر را می‌توان به عنوان یکی از قواعد حقوقی حوزه معاملات برشمرد. شرع مقدس اسلام تنها آن دسته از مبادلاتی را مجاز می‌داند که منجر به ایجاد ضرر برای دیگران نشود. اهمیت قاعده مذکور به حدی است که بسیاری از فقها از گذشته دور و نزدیک در تألیفات و تقریرات خود رساله مستقلی را به آن اختصاص داده‌اند. فقها برای اثبات این قاعده به کتاب، سنت، اجماع و عقل استناد می‌کنند. فقها برای اثبات این قاعده در قرآن کریم به آیات ۲۳۳، ۲۸۲ و ۲۳۱ سوره بقره استناد می‌کنند اما عمده دلیل فقها بر قاعده نفی ضرر بر اساس روایت مشهور رسول خدا(ص) تحت

عبارت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام (علی مؤمن)» است. این روایت به طور مختلف مطرح شده و از جهت مضمون یکسان می‌باشند. برخی از حقوقدانان معتقدند که نفی ضرر و ضرار به صورت کلی از اموری است که عقل به صورت مستقل بر آن حکم می‌کند. به این معنا که عقل با قطع نظر از وجود آیات و روایات، حکم به مفهوم اجتناب از ضرر و ضرار دارد. امام خمینی (ره) قاعده ضرر را از احکام حکومتی و اجرایی پیامبر اکرم (ص) می‌داند. یعنی حضرت در مقام حکمرانی مردم تحت امر خود را از وارد کردن ضرر و خسارت به یکدیگر منع نموده‌اند.

۲-۳. ممنوعیت ربا

ممنوعیت ربا در مالی اسلامی را می‌توان مهمترین شاخص تمایز کننده نظام مالی اسلامی از نظام مالی متعارف برشمرد. ربا و در شکل عمومی آن بهره، اساس نظام سرمایه‌داری است که در قالب ابزارهای ربوی مختلف نظیر اوراق قرضه، وام، اعتبارات بانکی و نظایر آنها بوسیله نهادهای مالی متعارف نمود می‌یابد که سازوکارهای غیرالهی و غیراخلاقی خود را در بازارهای مربوطه شکل می‌دهد. حرمت ربا در اسلام به حدی است که امام خمینی (ره) آن را در قرآن، سنت و اجماع مسلمین اثبات شده می‌داند و بیان دارند که بعید نیست حرمت آن از ضروریات دین باشد. مذموم بودن ربا و رباخواری در اسلام به حدی است که خداوند از رباخواران به عنوان کسانی یاد می‌کند که با خدا می‌جنگند. خداوند در آیه ۳۹ سوره روم، آیه ۱۶۰ و ۱۶۱ سوره نساء، آیه ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره آل عمران و آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ سوره بقره، مسلمانان را از رباخواری منع می‌کنند و رباخواران را مورد مذمت قرار می‌دهند. قرآن کریم به صراحت حرمت ربا را اعلام کرده است: «و احل الله البیع و حرّم الربوا». در این آیات داد و ستد مجاز دانسته شده و مسلمانان به پرداخت زکات و صدقه ترغیب شده‌اند ولیکن به طور قاطع و روشن، ربا تحریم شده است و رباخواران به انواع گرفتاری‌های دنیوی و اخروی تهدید شده‌اند. درآمد در اسلام زمانی مورد قبول است که حاصل کار، معامله حقیقی، ارث و یا هدیه باشد. بهره تضمین شده نشان از خلق غیرموجه حق مالی اسلامی و این حق بدلیل خارج بودن از چارچوب شریعت اسلامی، مجاز نیست.

۲-۴. ممنوعیت غرر

واژه عربی غرر به معنی ریسک، نااطمینانی و مخاطره است. کلمه غرر در زبان عربی معادل ریسک و در معنای ضمنی به معنی تقلب و فریب است. اهل لغت غرر را به معنی خطر، نیرنگ و غفلت آورده‌اند. در معنی اول غرر یعنی شخص، جان یا مالش را در معرض نابودی قرار دهد و در معنی دوم غرر آن چیزی است که دارای ظاهری پسندیده و باطنی ناپسند باشد. بر اساس همین معنی اخیر است که دنیا متاع غرور نامیده شده است که در سوره‌های آل عمران آیه ۱۸۵ و حدید آیه ۲۰ می‌خوانیم «...وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ» که غرور به فتح غین، اسم فاعل و برای مبالغه است، یعنی چیزی که اساس آن بر فریبکاری است و بدین جهت بر شیطان غرور اطلاق شده زیرا که کارش فریفتن انسان‌هاست. برخلاف ربا، غرر دارای مفاهیم متعددی است. این واژه در کتب «منتهی الارب»، «اساس اللغه»، «مصباح» و «مجمع البحرين» به معنی خطر تعریف و تفسیر شده است و در «قاموس اللغه»، غرر به معنای فریب دادن آمده است. در فرهنگ‌های زبان فارسی همچون فرهنگ دهخدا و معین، غرر به معنای هلاکت، خطر و فریب‌خوردن آورده شده است. مدرک اصلی قاعده نفی غرر، حدیث معروف «نهی النبی عن بیع الغرر» است.

غرر در قراردادهای مالی می‌تواند ناشی از عدم وجود یا قدرت در تسلیم مبیع، عدم تقارن اطلاعاتی (عدم اطلاع از ارزش، خصوصیات و شرایط معامله)، حيله و کم‌فروشی و درنهایت ابهام و پیچیدگی بیش از حد عرفی، در قرارداد باشد. مرحوم صاحب جواهر در معنای غرر می‌نویسد: «غرری که از آن نهی شده است به معنای خطر ناشی از جهل به مقدار و صفات مبیع است، نه مطلق خطر، زیرا در بیع کالای غایب ضرورتاً خطر حاصل می‌شود و حال آنکه بیع کالای غایب جایز است و یا در بیع سردرختی و محصولات است. بنابراین مراد از غرر، مطلق خطر نیست (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲۲، ص ۳۸۸). برخی در خصوص حوزه قلمرو قاعده غرر می‌گویند: «نتیجه اینکه، هر آنچه که در آن خطر است داخل در معامله غرری است و خطر عبارت است از احتمال خسارتی که عقلاً از آن اجتناب می‌کنند (نه احتمال ضعیفی که مردم به آن اعتنا نمی‌کنند) و این احتمال خسارت گاهی ناشی از عدم اعتماد و اطمینان به وجود

مال، گاهی ناشی از عدم اعتماد به امکان تسلیم و تسلّم (قبض و اقباض) مال و گاهی ناشی از عدم اعتماد به قابلیت مال برای معاوضه در مقابل عوض خاص است که خود ناشی از جهل به مقدار، جنس یا وصف مال است» (مراغه‌ای، ۱۳۹۷ق.، ج ۲، ص ۸۰).

۲-۵. ممنوعیت قمار- میسر (بورس بازی اعتراض آمیز)

المیسر از یسر به معنی آسانی است. میسر نیز در لغت به معنی قماربازی یا سفته بازی اطلاق می‌شود. چون در قمار، افراد بدون زحمت، پول به دست می‌آورند، به آن میسر می‌گویند. فقهای مسلمان میسر یا قماربازی را به عنوان بازی صفر- یک قلمداد می‌کنند. در بازی با مجموع صفر، هر چیزی را که طرف مقابل از داده است، عاید برنده می‌شود و به عبارت دیگر برد یک طرف برابر باخت طرف دیگر است. بدین ترتیب یک طرف قرارداد به طور کامل به هزینه طرف مقابل منفعت کسب نماید و این منجر به ناعادلانه بودن قرارداد مالی می‌شود (Ayub, 2007, p.62). خداوند در قرآن کریم در سوره مائده آیه ۹۰ و ۹۱ و سوره بقره آیه ۲۱۹، قمار و میسر را از عمل شیطان می‌داند که موجب ایجاد دشمنی و کینه میان اشخاص شده و مسلمانان را از یاد خدا غافل می‌سازد. حرمت قمار و میسر توسط مسلمانان شناخته شده و از چارچوب‌های اخلاقی آن‌ها به شمار می‌آید. در خصوص قمار و میسر کتب شیعی متعددی را می‌توان یافت که بدان پرداخته باشند. برای نمونه کافی بابی را تحت عنوان «باب قمار و النهبه» (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۱۲۳)، در مستدرک الوسائل و وسائل الشیعه بابی تحت عنوان «باب تحریم کسب القمار حتی العکاب و الجوز و البیض و ان کان الفاعل غیرمکلف و تحریم فعل القمار» (عاملی، ۱۴۰۹ق.، ص ۱۶۴ و محدث نوری، ۱۴۰۸ق.، ص ۱۱۹) و در بحارالانوار بابی تحت عنوان «القمار» (مجلسی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۸) وجود دارد.

بطور کلی سفته‌بازی به قراردادهایی اطلاق می‌شود که هدف طرفین انجام یک تراکنش مالی مبتنی بر یک دارایی واقعی یا تولید نیست بلکه صرفاً یک تراکنش مالی مبتنی بر برخی از حرمت‌های یاد شده به منظور انتفاع سود است. بورس بازی اعتراض آمیز مشتمل بر دستکاری قیمت و سوق دادن آن به قیمت ناعادلانه، جهل و تبانی در معاملات، اشاعه اطلاعات کذب، ناقص و گمراه‌کننده، انجام معاملات صوری و

معاملات مبتنی بر اطلاعات داخلی (غبن طرف مقابل) است. توجه به این اصل اجتناب از قمار و میسر باید در ماهیت تراکنش‌های مالی مورد کنکاش قرار گیرد تا ابزارهای مالی بطور ضمنی دربردارنده قمار و میسر نباشند.

۲-۶. شراکت در منافع و مخاطرات

نظام مالی متعارف به طور عمده مبتنی بر بهره است و با عدم شراکت طرف‌های قرارداد در نتیجه سود و زیان حاصل از کسب‌وکار شناخته می‌شود. بدین روابط میان اجزای اقتصادی بر اساس قراردادهای قرض‌دهی محض استوار می‌شود که در آن قرض‌گیرنده متعهد به پرداخت سود به شکل اجباری و قرض‌دهنده به طور مشخص فاقد مسئولیت است. بنابراین قرض‌گیرنده در صورت کسب سود، آن را با قرض‌دهنده تسهیم نمی‌کند و در صورت بروز زیان نیز تنها مالک آن را برعهده گرفته و پرداخت بهره بانک درجای خود باقی است که از منظر مالی اسلامی این امر به منزله توزیع ناعادلانه و قرض‌دهی غیرمنصفانه است (Ahmed, 1993, p.42).

مالی اسلامی با شراکت در سود و زیان شناخته می‌شود. بدین ترتیب رابطه میان قرض‌گیرنده و قرض‌دهنده بوسیله شراکت در سود و زیان، تبدیل به رابطه میان شرکا می‌شود. مشارکت در سود و زیان از هنجارهای مشهور مالی اسلامی است و می‌تواند حسب نوع قرارداد به چندین شکل نمود یابد. قراردادهای شراکت در سرمایه (نظیر مشارکت و مضاربه) و شراکت در محصول (نظیر مزارعه و مساقات) از انواع رایج و پرسابقه در نظام مالی اسلامی شمرده می‌شوند که قدمت آن‌ها را از دوره صدرالاسلام دانست. در این قراردادها، منابع از جانب سرمایه‌گذار یا شراکتی تأمین می‌شود و در پایان دوره مشخص زمانی، در صورت وجود سود میان طرفین تسهیم می‌شود و در صورت بروز زیان، وابسته به نوع قرارداد و مسئولیت امین یا شریک میان طرفین تسهیم می‌شود.

۲-۷. ممنوعیت تراکنش‌های حرام

ممنوعیت از انجام تراکنش‌های حرام از اصول بارز نظام مالی اسلامی است. دین اسلام تنها محدود به اعمال عبادی مسلمانان نیست. مسلمانان در تمامی مکان‌ها و زمان‌ها ملزم به پایبندی به قواعد اسلامی هستند. شرکت‌ها نباید در فعالیت‌های غیراسلامی سرمایه‌گذاری کنند و همچنین نباید از طریق غیراسلامی تأمین مالی کنند. بنابراین هرگونه سرمایه‌گذاری و یا داد و ستد درکسب و کارهای غیراخلاقی و ضد ارزش‌های اسلامی نظیر قمار، مشروبات حرام، مواد مخدر و دخانی، امور فسق و فحشا، قاچاق و... از منظر اسلام به طور بدیهی باطل و حرام است (Mirakhor, 1995, p.137). بنابراین مسلمانان موظف به پایبندی به احکام اولیه (برگرفته از وحی و سنت) و ثانویه (احکام حکومتی) در تراکنش‌های مالی خود هستند. اجتناب از سرمایه‌گذاری و تراکنش‌های مالی درخصوص فرآورده‌های گوشتی حرام، مشروبات الکلی، قمار، زنا و نظایر آن‌ها را می‌توان به طور مستقیم از آیات قرآن و روایات استنباط کرد درحالی‌که اجتناب از قاچاق اسلحه، انسان، مواد مخدر و... توسط فقها استنباط شده و یا برخی توسط احکام حکومتی معین شده‌اند. این هنجار برای مسلمانان ساکن در کشورهای غیراسلامی نمود عینی و اهمیت بیشتری دارد.

۳. اهداف نظام مالی اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

اهداف نظام مالی اسلامی را می‌توان با بررسی مفهوم سعادت حقیقی در حوزه فردی و اجتماعی مسلمانان از طریق کتاب و سنت استنباط کرد. هدف نهایی نظام مالی اسلامی حصول به سعادت دنیوی- اخروی در بعد فردی و اجتماعی است که این مهم بوسیله ابزارهای اسلامی، بازارهای اسلامی و نهادهای مالی اسلامی شاغل در حوزه‌های کارکردی مالی اسلامی تحقق می‌یابد. در ادامه به شش مورد از مهمترین اهداف نظام مالی اسلامی اشاره می‌شود.

۳-۱. عدالت اقتصادی

توسعه عدالت اقتصادی به حالتی اطلاق می‌شود که هرکس در جامعه به حق خود از ثروت‌ها و درآمدهای جامعه (به اقتضای حکمت خداوند و انصاف) دست یابد. بدین معنی که خداوند به دلیل آنکه در بالاترین مرتبه از حکمت و علم است، این حقوق را به گونه‌ای توزیع می‌کند که مورد پذیرش عقل سلیم است. در عین حال حاکمان اقتصادی اسلامی باید به گونه‌ای شرایط را فراهم سازند که همه افراد از سطح متعادل زندگی برخوردار باشند، اختلاف‌های درآمدی ناشی از تبعیض‌های اجتماعی نباشد، ثروتمندان مقرری‌های شرعی، قانونی و اجتماعی خود را بپردازند و به عنوان یک اصل در جامعه اختلاف درآمد، ناشی از مقتضای عدالت بدلیل تفاوت در مهارت، تلاش و علم باشد. رعایت حقوق متقابل بین حاکمیت و مردم، زمینه‌ساز ایجاد عدالت اقتصادی میان آنهاست. احترام به حقوق ملت و دولت در ساحت روابط اجتماعی باید تنظیم و اجرایی شود تا عدالت اقتصادی شکل گیرد. امام علی(ع) در این خصوص در خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه می‌فرماید: «پس چون رعیت حق والی را ادا کند و والی حق رعیت را به جای آورد، حق میان آنان بزرگ مقدار بشود و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برجا قرار گیرد». بدین ترتیب دسترسی یکسان به منابع تولید حسب ظرفیت افراد بایستی فراهم شود و حزب، طبقه و یا قشری نباید از حق امتیاز ویژه به منظور بهره‌برداری از منابع و امکانات اقتصادی برخوردار باشند و از طرف دیگر مردم و دولت بایستی به حقوق اجتماعی و اقتصادی یکدیگر احترام گذارند تا زمینه برای بروز عدالت اقتصادی در جامعه فراهم شود.

۳-۲. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی به معنای مصون بودن فعالیت‌های اقتصادی و از جمله سرمایه‌گذاری از هرگونه تعرض ناصواب و مغایر قانون و اصول پذیرفته شده در فعالیت‌های تجاری است. امنیت اقتصادی یکی از اهداف نظام اقتصادی است که منزله ثبات و عدم خطر (ریسک) در فعالیت‌های اقتصادی در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف و در سه بخش دولتی و خصوصی و اقتصاد بدون سود و در ابعاد داخلی و بین‌المللی است (میرمعزی،

۱۳۸۸، ص ۱۸۰). امنیت اقتصادی به عنوان مهمترین شاخص توسعه یافتگی دو بعد امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت اشتغال و درآمد حائز اهمیت است. امنیت سرمایه‌گذاری به منزله ایجاد چارچوب نهادینه‌ای از شرایط اجتماعی، سیاسی و حقوقی است که اعتماد پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران فراهم کرده و امنیت جانی- مالی افراد را تضمین می‌کند. این چارچوب نهادینه منجر به برقراری ثبات اقتصادی، جلب مشارکت عمومی و نظام اداری- مالی سالم می‌شود که در نهایت موجبات رشد اقتصادی را فراهم می‌سازد. از طرف دیگر امنیت اشتغال و درآمد به معنای طرد هرگونه فشار خارج از کنترل افراد یک جامعه در مسیر اشتغال و کسب درآمد برای دستیابی به سطح متوسط رفاه اقتصادی آن جامعه است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (حشر: ۲۳)؛ «اوست خدایی یکتایی که غیر از او خدائی نیست سلطان مقتدر عالم، پاک از هر نقص و آرایش و منزله از هر غیب و ناشایست، ایمنی بخش، نگهبان جهان و جهانیان و غالب و قاهر بر همه خلقتان با جبروت و عظمت و بزرگواری و برتر زهی منزله پاک خدای از هر چه بر او شریک پندارند». مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می‌فرماید، مؤمن که یکی از اسماء حسناى الهی است، کسی است که به تو امنیت دهد و تو را در امان خود حفظ نماید و این نگاه با رویکرد به امنیت به معنای گسترده است.

امنیت به ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری و تولید، موجب اطمینان نیروهای مولد و سرمایه‌گذار در عرصه تولید و کار و تلاش اقتصادی است. اسلام با تبیین دیدگاه اطمینان بخش در زمینه امنیت اقتصادی به دنبال ثبات در بازارهای مالی و اقتصادی است. بنابراین هر فردی که با توجه به معیارها و ضوابط شرعی و در چارچوب مقررات اسلامی سرمایه‌ای را به دست آورد، از نظر قرآن دارای مصونیت‌های مختلف به ویژه مصونیت اقتصادی است. امنیت اقتصادی و حرمت مال مؤمن در روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته است. تا جاییکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «آبرو و مال و خون مؤمن حرمت دارد». امنیت اقتصادی را می‌توان از دو بعد خرد و کلان نگریست. در بعد خرد منظور از امنیت اقتصادی حفظ مال مشروع اشخاص از تعدی اشخاص و

دولت در سایه امنیت حقوقی است و در بعد کلان به معنای وجود ثبات و اطمینان بر شرایط اقتصادی حاکم بر جامعه در بعد ملی و بین‌المللی است.

۳-۳. استقلال اقتصادی

استقلال اقتصادی به حالتی اطلاق می‌شود که یک کشور منافع اقتصادی خود را بتواند آزادانه مبتنی بر فرهنگ ملی و بومی خود تعقیب کند. لازمه استقلال اقتصادی برخورداری از زمینه اقتصاد رقابتی، کارا و مقتدر است. گسترش اقتدار اقتصادی در تمامی بخش‌ها موجب مواجهه نیرومند در قبال مستکبران و استعمارگران خواهد شد. از این رو است که خداوند در قرآن کریم به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که نیرو و تجهیزات نظامی بایستی به قدری تقویت شوند که امکان مقابله با دشمن به طور کامل فراهم شود. «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفًا إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال: ۶۰)؛ «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده سازید! اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و گروه دیگری غیر از این‌ها را که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد و هر چه در راه خدا انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد».

امام خمینی(ره) درخصوص استقلال اقتصادی می‌فرماید:

«امکان ندارد که استقلال به دست بیاید قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم. اگر مسامحه کنیم و وابسته به خارج باشیم، این وابستگی اقتصادی به خارج قهراً وابستگی سیاسی می‌آورد، قهراً وابستگی اجتماعی می‌آورد و ما همان اسیرها خواهیم بود که بودیم و به ما همان‌ها حکومت خواهند کرد که کردند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۱۰۵).

بنابراین کشور باید طوری به قدرت اقتصادی دست یابد که ضمن رهایی از مصرف‌گرایی به خودکفایی و توان رقابتی مطلوب در بخش‌های اقتصادی دارای مزیت و اساسی دست یابد تا این امر موجبات حصول به استقلال اقتصادی را فراهم آورد.

استقلال اقتصادی از جمله اهداف اساسی نظام مالی اسلامی است که در دو بعد خرد و کلان نمود می‌یابد. منظور از بعد خرد تأمین کرامت انسانی، تنظیم عادلانه روابط کاری و پرهیز از هرگونه استعارگری را می‌توان عنوان نمود و در بعد کلان نیز به منزله ایجاد استقلال اقتصادی در حوزه تولید، توزیع و مصرف و در کنار آن استقلال فعالیت‌های خدماتی در کشور است. در تأمین مالی پروژه‌ها همواره باید این امر به عنوان یک اصل مدنظر قرار گیرد و جهت‌گیری فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری در کشور باید منعطف به سمت استقلال اقتصادی باشد.

۳-۴. گسترش آبادانی

انسان در اسلام علاوه بر اجرای مسئولیت‌های فردی و عبادی خود موظف به بهره‌گیری از استعدادهای فراوان و غیرقابل شمارش اعطایی خدای متعال در راستای رسالت‌های اجتماعی اوست. یکی از مهمترین این رسالت‌های اجتماعی مقوله گسترش آبادانی در زمین است و از این روست که خداوند مردم را به آبادی زمین فرا می‌خواند: «...قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» (هود: ۶۱)؛ «گفت: ای قوم من خدا را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست. اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما وا گذاشت از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید که پروردگارم (به بندگان خود) نزدیک و اجابت‌کننده است».

حضرت امیر المؤمنین علی(ع) در غرر الحکم و درر الکلم می‌فرماید: «بدترین شهرها شهری است که در آن امنیت و سرسبزی وجود ندارد» (تمیمی آمدی، ۵۵۰ق، ص ۴۴۷). سرسبزی یکی از جلوه‌های آباد کردن زمین است و امروزه می‌توان آبادانی را به گستره وسیعی از احداث صنایع و برقراری خدمات اطلاق کرد. همچنین ایشان در نامه خود به مالک اشتر نخعی می‌نویسند: «این فرمان بنده خدا علی امیرمؤمنان است به مالک اشتر پسر حارث، هنگامی که او را به فرمانداری مصر برمی‌گزیند تا خراج آن دیار را جمع‌آورد و با دشمنان نبرد کند، کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد کند» و در بخش دیگری می‌فرمایند: «تلاش تو برای آبادانی زمین باید بیشتر از تلاش

تو برای جمع‌آوری خراج باشد؛ زیرا خراج با آبادانی میسر می‌شود و هر حاکمی بدون آبادانی درصدد جمع‌آوری خراج باشد، هم شهرها را نابود می‌کند و هم بندگان خدا را به هلاکت می‌رساند». امیرالمؤمنین (ع) در سخن دیگری در تفسیر آیه ۶۱ سوره هود می‌فرمایند: «پس خداوند سبحان، مردم را به آبادانی فرمان داده تا بدین وسیله از زمین آنچه بیرون می‌آید، همانند حبوب و میوه‌ها و امثال آن را که برای زندگانی مردم قرار داده است، زندگی آنان را استوار سازد» (نوری طبرسی، ۱۴۰۹ق.، ج ۱۳، ص ۶۵).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که آبادانی از جمله اهداف مهم اقتصادی در نظام‌های اسلامی به شمار رفته و به عنوان یک مسئولیت بسیار مهم برای حاکمان جوامع مسلمان تلقی می‌شود. سوق سرمایه‌گذاری به بخش‌های مولد و مورد نیاز کشور، توسعه خدمات آموزشی و بهداشتی در شهرهای مختلف و آمایش نیازهای استانی جهت پیشرفت و آبادانی از جمله مهمترین مواردی است که به منظور گسترش آبادانی فراگیر در کشور بایستی در نقشه راه پیشرفت مدنظر قرار گیرند.

۳-۵. رفاه عمومی

نظام مالی اسلامی دو خاستگاه ابتدایی و نهایی دارد. اهداف نهایی و اصلی همانند حصول کرامت، عدالت، استقلال، امنیت و امثال آن است که در جهت رضایت خداوندی نیز قرارداد. اهداف ابتدایی بیشتر با امور متعارف مالی سروکار دارد و مواردی از قبیل تأمین رفاه عمومی، برقراری زندگی شرافتمندانه و متعادل برای فرد و جامعه، رفع فقر و بیکاری، دستیابی به اقتصاد شکوفا، با ثبات و قابل رقابت با دیگر اقتصادها را شامل می‌شود. تأمین اهداف ابتدایی بستر حصول به اهداف نهایی است. رفاه عمومی، مهمترین هدف هر نظام اقتصادی، بویژه نظام اقتصاد علوی است و اگر این هدف در برخی نظام‌هایی که به اصالت فرد قائل هستند، همخوانی با مبانی اعتقادی و فلسفی ندارد، در اقتصاد علوی بین مبانی و اهداف آن هماهنگی کامل وجود دارد (یوسفی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۳). نهادهای اقتصاد سیاسی اسلام مجموعه هنجارها و سنت‌های اقتصادی تثبیت شده یا دستور العمل‌های مورد تأکید شریعت هستند که باید آنها و نیابدهای نظام اقتصادی را ترسیم می‌کنند. در دیدگاه کلاسیک، مکتب تاریخی،

نئوکلاسیک، کینز، سوسیالیست، نظریه اطلاعات و دولت رفاه، هدف اصلی همانا رفاه عمومی است (کارنیک، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱). در این مکاتب تحقق رشد معنوی اصل نیست و تاکید اصلی بر تحقق رفاه مادی و توسعه است. اما در اسلام اقتصاد هدف نیست؛ بلکه وسیله تحقق اهداف بالاتری است. اقتصاد اسلامی، اقتصاد معنوی شمرده می‌شود و ابزارها و اهداف آن غیراخلاقی نیست و نمی‌تواند مانع تحقق رشد معنوی شود (رضایی، ۱۳۸۳، ص ۷).

تحقق رفاه در زندگی، مقدمه‌ای برای عبادت خدا و دستیابی به رضوان الهی است. نبود رفاه عمومی و فقر موجب می‌شود که انسان فقیر به اغنیا حسد ورزد، عبودیتش خراب می‌شود و به قضا و قدر الهی اعتراض می‌کند. امام محمد باقر(ع) در دعایی می‌فرماید: «خدایا، تا زمانی که مرا زنده نگه می‌داری، رفاه و آسایش را در زندگی‌ام از تو می‌خواهم تا بدان وسیله توان بر اطاعت تو یابم و بوسیله اطاعت تو به بهشت نایل آیم» (شیخ طوسی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۸۴).

زندگی مرفه از دیدگاه امامان معصوم، زندگی گواراست و زندگی گوارا دارای پنج عنصر سلامت و امنیت، وسعت روزی، روابط اجتماعی سالم و آرامش است که بدون تقوا و یاد خداوند متعال قابل حصول نیست (میرمعزی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹). پیامبر اکرم(ص) در روایتی در مقام تأکید به هدف، تلاش برای تأمین رفاه عمومی را از وظایف مالی دولت‌های مسلمان برمی‌شمارند و می‌فرمایند: «هر حاکمی که مسئول امور مسلمانان باشد، اما بی‌شائبه در جهت رفاه آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد» (قحف، ۱۳۸۱، ص ۲۷۱). بنابراین یکی از اهداف ابتدایی نظام مالی اسلامی همانا حصول رفاه عمومی است و هدف دستیابی به رفاه عمومی بایستی در حوزه تجهیز و تخصیص منابع، سرمایه‌گذاری و پوشش ریسک همواره مدنظر قرار گیرد.

۳-۶. سعادت فردی- اجتماعی

هدف نهایی نظام اسلامی همانا سعادت فرد و جامعه مطابق با جهان‌بینی اسلامی است. در نظام مالی اسلامی سعادت فرد دارای مفهومی متفاوت از نظام مالی متعارف است. در نظام مالی متعارف، هدف اصلی دستیابی به بیشترین لذت است که این امر می‌تواند

بوسیله بیشترین مصرف، بیشترین کسب سود و یا بیشترین خلق ثروت نمود یابد. در نظام مالی متعارف که مبتنی بر جهان‌بینی مادی‌گرایی و سرمایه‌داری است، اصالت لذت به عنوان محرکه بسیاری از فعالیت‌های مالی قلمداد می‌شود. این درحالی است که هدف مهم در نظام مالی اسلامی برآوردن نیازهای اقتصادی اشخاص به‌گونه‌ای است که آنان را به سمت سعادت حقیقی رهنمون سازد. بنابراین بر اساس تعالیم اسلامی، انسانی سعادت‌مند است که مجموع لذات دنیوی و اخروی خود را بیشینه کند. بطور واضح ایدئولوژی اسلامی انسان را به سمت لذت‌های برتر و پایدار رهنمون می‌کند و در صورتی که لذت‌هایی منجر به تضعیف یا نابودی لذت‌های برتر و پایدارتر شوند، اسلام دستور به ترک آن‌ها می‌دهد. خداوند در قرآن کریم بیان می‌دارند که آنچه نزد خداوند است (از انواع لذت و نعمتی که در هر دو جهان بدان دستور داده است)، بهتر و پایدارتر است: «فَمَا أَوْتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (شوری: ۳۶)؛ «آنچه به شما عطا شده متاع زودگذر زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل می‌کنند بهتر و پایدارتر است».

به طور مشخص افراد هستند که جامعه را می‌سازند و جامعه‌ای که اسباب حرکت به سمت سعادت حقیقی با الهام از دو منبع وحیانی و عقلانی در آن فراهم آید، جامعه‌ای سعادت‌مند است. جنبه مالی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد زندگی به شمار می‌رود که نقش مستقیم و مؤثری در سعادت‌مندی مسلمانان دارد. استنباط قوانین اقتصاد اسلامی از بستر مکتب اقتصادی اسلام و کاربردی نمودن مدل‌های مالی مرتبط با آن، منجر به ایجاد زیربنا و روینای سعادت برای مردمان کشور می‌شود.

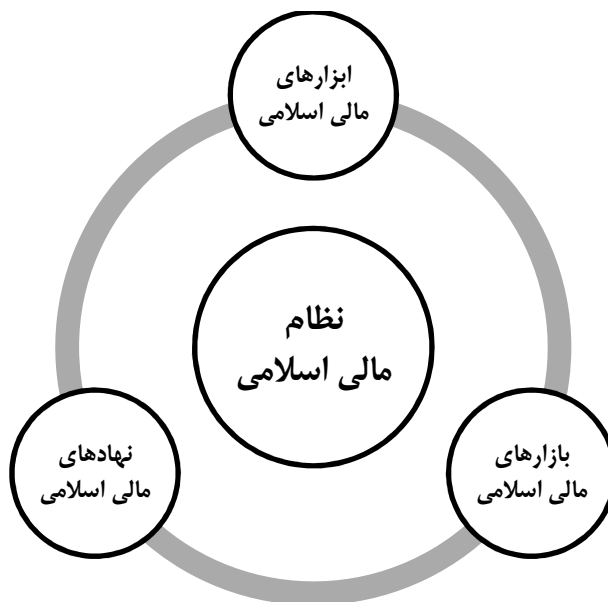
۴. شاخصه‌های نظام مالی اسلامی کارآمد در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نظام مالی اسلامی کارآمد به نظامی اطلاق می‌شود که در درجه اول اهداف نظام مالی اسلامی را به عنوان راهبردهای بنیادین و نقشه راه حاکم بر کلیه عملیات مالی در نظر می‌گیرد و در درجه دوم سازوکارهای اجرایی بهینه را جهت حصول به اهداف از پیش تعیین شده تنظیم و عملیاتی می‌کند.

ابزارسازی، تنظیم روابط و بهره‌گیری بهینه از تمامی ظرفیت‌های مالی داخلی و خارج کشور در چارچوب قانون به منظور حصول به پیشرفت اقتصادی پایدار و تعالی انسانی، را می‌توان به عنوان مهمترین شاخصه‌های کارکردی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در بعد مالی برشمرد. در واقع این الگو باید دربردارنده تصویری جامع از یک نمونه ایده‌آل و البته دست‌یافتنی از اصول، هنجار، اهداف و کارکردهای اجرایی باشد که بتوان آن را در تمامی شئون مالی کشور لحاظ نمود. دستیابی به این الگو در کنار فراهم‌سازی بسترهای حمایتی لازم منتج به اجرایی شدن بخش عمده‌ای از اهداف اقتصادی اسلام در کشور می‌شود. از آنجایی که الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک سند بالادستی است پس باید برنامه‌های مالی دولت با آن هماهنگ باشند.

نظام مالی اسلامی در پی آن است تا سازوکاری را ایجاد نماید که گردش وجوه (انتقال مازاد وجوه به جایی که کمبود آن وجود دارد) بر اساس موازین اسلامی صورت پذیرد. در اسلام سرمایه پولی به عنوان یک عامل مستقل در برابر تولید تلقی نمی‌شود و تراکنش مالی زمانی مورد تأیید است که مبتنی بر بخش واقعی اقتصاد باشد. اقتصاددانان مسلمان عموماً سرمایه پولی را به عنوان ابزاری قابل تبدیل به دارایی‌های مولد تلقی می‌کنند. تلفیق انگیزه‌های معنوی با انگیزه‌های اقتصادی در نظام مالی اسلامی می‌تواند سرمایه‌گذاری را در بخش‌های واقعی اقتصاد افزایش دهد. در واقع نظام مالی اسلامی مشارکت در سود و زیان را ترویج می‌نماید، کارآفرینی را ارتقا می‌بخشد و موجب کارایی در تسهیم ثروت می‌شود که این امر موجب رسیدن به بهره‌وری مطلوب و سوق سرمایه‌ها به بخش‌های مولد می‌شود.

ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره رکن اصلی این نظام را تشکیل می‌دهد و در عین حال چنین نظامی باید مشارکت در ریسک را تشویق نموده، کارآفرینی را ارتقا بخشد و با تأکید بر پابندی به معاملات، فرد را از هرگونه معامله بورس بازی غرری منع کرده است. تأمین مالی با بهره ثابت در نظام مالی اسلام با محدودیت‌هایی مواجه است و سرمایه‌گذاران بدون تحمل ریسک نمی‌توانند در سود سهیم باشند. نظام مالی اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شود که ضمن دربرداشتن اهداف و دستورات اسلام در زمینه امور مالی، رشد و پیشرفت اقتصادی را به دنبال داشته باشد.

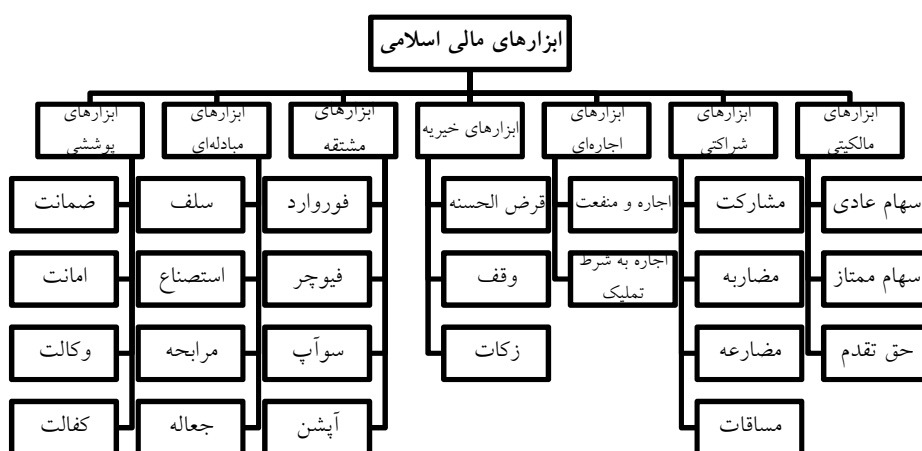


شکل ۲. اجزای سازنده نظام مالی اسلامی

۴-۱. ابزارهای مالی اسلامی کارآمد

ابزارهای مالی اسلامی، اوراق و اسنادی هستند که توسط شرکت‌ها، مؤسسات مالی و دولت برای تأمین مالی صادر و در بازارهای مالی اسلامی مبادله می‌شوند. این ابزارها باید بر اساس اصول شرعی در حوزه عملیات اقتصادی طراحی شوند. اگرچه شایان ذکر است که برخی از ابزارها برگرفته از مالی متعارف هستند که یک سری اصلاحات روی آن‌ها انجام شده است و برخی دیگر مبتنی بر نوآوری در حوزه مالی اسلامی هستند (Shanmugam & Zahari, 2007, p.23). ابزارهای مالی اسلامی نه تنها باید سود قابل قبولی را برای طرف‌های مختلف به همراه داشته باشند بلکه این عمل به گونه‌ای باید صورت گیرد که با قانون اسلام و هنجارهای نظام مالی اسلامی منطبق باشد. ابزارهای مالی اسلامی باید به گونه‌ای طراحی شوند که جاذب سرمایه‌های کلان و تجمیع‌کننده پس اندازهای خرد باشند. این ابزارها باید به طور مستقیم (تأمین مالی مستقیم از طریق بازار پول) و غیرمستقیم (تأمین مالی از طریق بازار سرمایه) موجب

سوق سرمایه‌های جمع‌آوری شده به سمت چرخه تولید یا بخش واقعی اقتصاد شوند. گسترش تولید و رفع احتیاجات سرمایه‌ای مرتبط با آن می‌تواند افزایش اشتغال و درآمد اشخاص را در یک جامعه اسلامی به همراه داشته باشد و نتیجه این امر همانا رفاه عمومی خواهد بود که به عنوان یکی از اهداف نظام مالی اسلامی همواره بدان اشاره می‌شود.



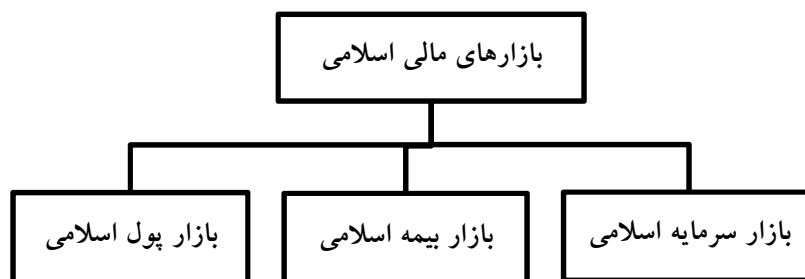
شکل ۳. طبقه‌بندی ابزارهای مالی اسلامی

۴-۲. بازارهای مالی اسلامی کارآمد

بازارهای مالی اسلامی، بازارهایی هستند که در آن‌ها دارایی‌های مالی بر اساس اصول اسلامی مبادله می‌شوند. هدف بازارهای مالی اسلامی را می‌توان برقراری رابطه مشارکتی بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان منابع مالی، برقراری سیستم معاملات و تسویه منصفانه، توسعه ابزارهای مالی متناسب با موازین شرعی به جهت تسهیل سرمایه‌گذاری و مدیریت مخاطرات کسب و کار و در نهایت کاهش فساد اقتصادی از طریق شفاف‌سازی مالی برشمرد.

بازارهای مالی اسلامی باید بسیج منابع و تخصیص بهینه منابع را در اولویت اول کار خود قرار دهند. طبقه‌بندی مختلفی درخصوص بازارهای مالی وجود دارد. در یک

طبقه‌بندی بازارهای مالی به بازارهای کوتاه مدت (بازار پول)، میان مدت (بازار پول و پوشش ریسک) و بلندمدت (بازار سرمایه و پوشش ریسک) طبقه‌بندی می‌شود (Iqbal & Llewellyn, 2002, p.23). همچنین این بازارها را می‌توان به دو بخش بازارهای مبتنی بر دارایی و بازارهای مبتنی بر بدهی طبقه‌بندی کرد. بازارهای بدهی جزء لاینفک بخش مالی و مکمل بودجه‌ها به منظور تأمین نقدینگی است. با توجه به اینکه در مالی اسلامی بهره ممنوع است بنابراین مدل بازارهای بدهی سنتی نمی‌توانند پاسخگوی نیاز جامعه اسلامی باشد و به طور جدی نیاز است تا جایگزین‌هایی برای بازارهای بدهی سنتی مطابق با قوانین اسلامی بوجود آید.



شکل ۴. طبقه‌بندی بازارهای مالی اسلامی

بازارهای مالی اسلامی کارآمد باید تأمین کننده نقدینگی برای بخش‌های مختلف اقتصادی به طور اثربخش باشند و در این میان بتوانند از طریق پوشش‌های بیمه‌ای و ابزارهای متنوع، ریسک موجود در بازارها را به حداقل ممکن برسانند. این بازارها باید ضمن تفکیک کامل از منظر مقررات حاکم، دارای تعاملات و هماهنگی‌های سیستمی فراگیر در بستر تراکنش‌های مالی متنوع باشند. به روز رسانی قوانین، مقررات و آئین‌نامه‌های اجرایی حاکم بر فعالیت این بازارها با توجه به سرعت شتابان تغییرات حوزه کسب‌وکار اسلامی از اهمیت بالایی برخوردار است.

۳-۴. نهادهای مالی اسلامی کارآمد

نهادهای مالی اسلامی، مؤسساتی هستند که زمینه مبادله ابزارهای مالی اسلامی را در بازارهای مالی بر اساس اصول اسلامی فراهم می‌کنند. این نهادها باید از سازوکار اسلامی در نحوه تجهیز منابع و تخصیص منابع برخوردار باشند. بانک‌های اسلامی نباید از محل بدهی باسود ثابت تأمین مالی کنند و به هر میزان که از حیل ربا استفاده نمایند، در حقیقت از اعتبار اجتماعی خود کاسته‌اند.

یکی از ملزومات اساسی به منظور پیشرفت و توانمندسازی بانک‌های اسلامی، اعتماد پیوسته افراد به نظام تأمین مالی اسلامی است (Chapra & Ahmed, 2002, p.2). نهادهای مالی اسلامی پایه بانکی باید در ابزارهای مالی اسلامی سرمایه‌گذاری کنند، نرخ‌های سود غیرمنصفانه و جرایم سنگین بر تسهیلات خود وضع نکنند، از عبارات شرعی برای پوشش ناکارآمدی‌های خود استفاده نکنند، شبکه‌ای متشکل و منسجم از تبادل داده و اطلاعات را در داخل و ارتباط با خارج تشکیل دهند، اقدامات مدیریتی لازم را به منظور مقابله و پوشش در قبال انواع ریسک‌های موجود اعم از مالی (اعتباری، بازاری و نقدینگی)، عملیاتی و تجاری را اجرایی نمایند، پشتوانه دولت در اجرای سیاست‌های توسعه‌ای باشند و در عین حال با تخصیص کارای منابع خود موجبات کاهش فقر و پیشرفت متوازن مبتنی بر مزیت رقابتی را در استان‌های مختلف کشور فراهم آورند.

نهادهای مالی اسلامی حوزه بازار سرمایه بایستی با فراهم آوردن بسترهای قانونی و فرهنگی موجبات افزایش مشارکت عمومی در تأمین مالی شرکت‌های بورسی، شفافیت در واگذاری‌ها، کاهش تورم بوسیله جلوگیری از سرازیر شدن منابع مالی به بخش‌های غیرمولد، کاهش ریسک سرمایه‌گذاران بوسیله سازوکارهای اجرایی محافظه‌کارانه و ابزارهای پوشش ریسک و افزایش سهم عمومی از اقتصاد کشور را فراهم آورند. حمایت از تأسیس صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری، مشاوره و سبدگردانی در بازار سرمایه موجب جذب افراد عادی به این بازار می‌شود اگرچه تخصص‌گرایی در حوزه اجرا همواره باید سرلوحه فعالیت‌های این بخش از اقتصاد باشد.

نهادهای مالی اسلامی حوزه پوشش ریسک (بیمه) در حقیقت پشتیبان و اطمینان دهنده به شاغلین حوزه مالی اسلامی از مخاطرات ممکن در این حوزه هستند. پدیده ریسک یکی از کلیدی‌ترین مشخصه‌های شکل‌گیری تصمیم در حوزه سرمایه‌گذاری، امور مربوط به بازارهای مالی و انواع فعالیت‌های اقتصادی است. شرکت‌های بیمه‌ای در قالب انواع قراردادهای پوشش ریسک نقش کلیدی در پیشرفت کشور دارند. توسعه دامنه پوشش مخاطرات و اشخاص تحت پوشش، یکپارچگی به منظور توانمندی در ایجاد بیمه‌های اتکایی و بین‌المللی و توسعه مناسبات تخصصی با سایر بخش‌های مالی از جمله مواردی است که بایستی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از بعد اقتصادی مدنظر قرار گیرد.

بطور کلی نهادهای مالی اسلامی بایستی فراهم‌کننده زمینه‌های لازم برای تحقق عدالت، امنیت و استقلال اقتصادی باشند و جامعه را در جهت حرکت به سمت آبادانی پشتیبانی نمایند. نحوه تعامل نهادهای مالی با اشخاص جامعه باید مبتنی بر الگوی رفتاری متعالی اسلامی باشد تا ضمن جذب حداکثری منابع در بخش‌های مولد از طریق تعاون عمومی، روحیه مسئولیت‌گرایی اسلامی- ایرانی را در میان هموطنان ترویج نموده و تحقق بخش اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی ایران در بخش‌های مختلف اقتصادی و مالی باشد.

جمع‌بندی

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یک سند بالادستی نسبت به تمامی اسناد برنامه‌ای اعم از چشم انداز و سیاستگذاری‌های کشور است. این مقاله مرتبط با محور دوم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (محور علمی) در حوزه تبیین نقش و جایگاه علوم انسانی اسلامی ایرانی (علم اقتصاد و به طور خاص مالی اسلامی) در الگو است. طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید مبتنی بر مفاهیم اسلامی و مطابق با شرایط بومی کشور باشد. استواری این الگو مبتنی بر مبانی اسلامی، رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، طراحی علمی، مشارکت صاحب‌نظران و بهره‌گیری از تجارب و عبرت‌ها است. طراحی و تدوین جایگاه نظام مالی اسلامی از منظر مبانی و فرآیندهای عملیاتی

در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به منزله فرموله‌سازی و تبیین بایسته‌های مسیر تعالی کشور در حوزه‌های مختلف مالی و شکوفایی عملی اقتصاد اسلامی مبتنی بر مدل‌های بومی با کارکردهای فراگیر در کشور است. مبانی و اصول متعالی اسلام برای بنیان‌گذاری اقتصاد دینی در برابر ماست ولیکن تبیین متقن، عملیاتی و روزآمد موجب شناخت بایسته‌های نظام مالی اسلامی کارآمد در اقتصاد کشور و یک حرکت روبه‌جلو در تدوین نقشه راه برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. علم مالی اسلامی در حد متعالی خود می‌تواند مدل‌های اقتصاد اسلامی را در سه حوزه کارکردی ابزارها، بازارها و نهادهای مالی اسلامی به مرحله ظهور رساند و موجبات پیشرفت پایدار کشور را فراهم آورد.

تبیین و پیاده‌سازی صحیح و دقیق نظام مالی اسلامی در کشور مستلزم بررسی اصول، هنجار، اهداف و شاخصه‌های نظام مالی اسلامی کارآمد به جهت الگوسازی است. سیر محتوایی در محورهای بنیادین اقتصادی و مالی اسلامی، گشاینده افق‌های جدیدی پیش‌روی برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان در حوزه طراحی نقشه راه پیشرفت کشور است. تدوین بایسته‌ها و نقش نظام مالی اسلامی در الگو شامل سه بخش عمده محتوا، سازمان و برنامه است تا مفهوم چرایی، چیستی و چگونگی طراحی نقشه راه را مشخص کند. مهمترین و ابتدایی‌ترین گام این حوزه شناخت و تحلیل مفاهیم و محتوا است که در حیطه عملیاتی، کارکردهای نظام مالی را به ثمر می‌رساند. تسهیل سرمایه‌گذاری، مدیریت مخاطرات کسب و کار، کاهش فساد اقتصادی، افزایش رفاه عمومی، رشد و حمایت از تولید ملی از جمله دستاوردهای اجرای نظام مالی اسلامی کارآمد در کشور خواهد بود که الزامات اجرایی آن در حوزه ابزاری، بازاری و نهادی را باید در کشور بسترسازی کرد و کمبودهای احتمالی را از طریق مهندسی مالی اسلامی، ساختارسازی و کانالیزه کردن عملیات و بومی‌سازی الگوهای موجود برطرف کرد.

تکمیل محتوایی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بدون تکیه بر اقتصاد اسلامی دست نیافتنی است و بدین ترتیب تأثیری مستقیم در طراحی ابعاد و وجوه بنیانی الگوی خواهد داشت. اقتصاد اسلامی دارای پنج بعد فلسفه، مکتب، نظام و علم و مدل‌های عملیاتی با وجوه متمایز خاص خود است. در این پژوهش سعی شده است تا اهداف

نظام مالی اسلامی متناسب با اهداف الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت یعنی پیشرفت (قوام)، عدالت (پیشینی، فرایندی، پسینی)، تعالی و سعادت ترسیم شود که در این راستا اصلاح باورهای غلط، معرفی عقاید مبتنی بر دین و تدوین ساختارهای مورد نیاز جهت حصول به اهداف متعالی پیش‌بینی شده از جمله مباحث مطروحه است.

کتابنامه

- قرآن کریم
تمیمی آمدی، محمد (۵۵۰ ق.)، *غرر الحکم و درر الکلم*، جلد اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
- رضایی، مجید (۱۳۸۳)، «جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد»، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۳، صص ۳۷-۶۲.
- شیخ طوسی (۱۴۲۲ ق.)، *تهذیب الاحکام*، تصحیح علی اکبر غفاری، جلد سوم، نشر صدوق.
- صالح آبادی، علی (۱۳۸۵)، *بازارهای مالی اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- قحف، منذر (۱۳۸۱)، «نقش اقتصادی دولت در اسلام»، محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی، در *مجموعه مقالات نقش دولت در اقتصاد به کوشش فراهانی فرد*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کارنیک، اجیت (۱۳۷۹)، «نظریه‌های دخالت دولت»، ترجمه محمدزمان رستمی، *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، شماره ۲۳.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳)، *کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۴)، *بحار الانوار*، تهران: المکتبه الاسلامیه، چاپ سوم.
- مراغه‌ای، میرفتاح (۱۲۹۷ ق.)، *عناوین الاصول*، جلد دوم، تبریز: چاپ سنگی.
- موسوی خمینی، سید روح اله (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، جلد دهم، تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۹۰)، *ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۸)، *نظام اقتصاد اسلامی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی و اخلاق)*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۶۵)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، جلد دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
- نجفی، مهدی (۱۳۸۳)، *تجربه بازارهای مالی اسلامی در مالزی*، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع).
- نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۹ق.)، *مستدرک الوسائل*، جلد سیزدهم، قم: بی نا.
- وایسر، هانس (۱۳۹۰)، *مدیریت مالی اسلامی (اصول و کارکردها)*، ترجمه مهدی صادقی شاهدانی و حسین محسنی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- یوسفی، احمد علی (۱۳۸۷)، *نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- Ahmed, Ausaf (1993), *Contemporary Practices of Islamic Financing Techniques*, Jeddah: IDB, IRTI Press.
- Chapra, M. Umer and Ahmed, Habib (2002), *Corporate Governance in Islamic Financial Institutions*, Jeddah: Islamic Development Bank.
- Faruqi, Muhammad (1996), *Islamic Banking and Investment: Challenge and Opportunity*, Columbia: Columbia University Press.
- Iqbal, Munawar and Llewellyn, David (2002), *Islamic Banking and Finance: New Perspectives in Profit Sharing and Risk*, London: Edward Elgar Press.
- Mirakhor, Abbas (1995), "Theory of an Islamic Financial System", in *Encyclopaedia of Islamic Banking*, London: Institute of Islamic Banking and Finance.
- Shanmugam, Bala and Zahari, Zaha Rina (2007), *A premier on Islamic finance*, USA: CFA institute Press.

